

# چشم انداز عمومی به دیوید آلن کراکر



حامد حاجی حیدری

## چشم انداز عمومی

هر چند که معمولاً دنیس گولت به عنوان پایه گذار فلسفه اخلاق توسعه شناخته می شود، اما آغاز تلاش جدی در این زمینه، بی تردید مصادف با کوشش خلاقانه دیوید کراکر و شکل گیری انجمن فلسفه اخلاق توسعه (IDEA) توسط او بود.

دیوید آلن کراکر، مدرک دکترای تخصص خود را از دانشگاه ییل، دپارتمان مطالعات دینی، در رشته «الهیات دینی و فلسفه دین»، در سال ۱۹۷۰ اخذ نمود. عنوان رساله دکترای او «یک نظریه وایتهدی در زمینه منظور و عمل» بود. قبل از اینکه کراکر، به پایگاه فعلی خود، یعنی مدرسه خطمشی عمومی دانشگاه مریلند بیاید، مدت ۲۵ سال در دانشگاه ایالتی کلورادو فلسفه تدریس می کرد و در دانشگاه مونیخ استاد مدعو بود. همچنین در همین زمان استاد مهمان در دانشگاه کاستاریکا، دانشگاه مستقل ملی هندوراس، و دانشگاه سن کارلوس در گواتمالا بود. دیوید کراکر، از جولای سال ۱۹۹۶ تا کنون، عضو ارشد هیأت علمی پژوهشی در انستیتو فلسفه و خطمشی عمومی در مدرسه خطمشی عمومی دانشگاه مریلند است. دیگر فعالیت های مهم و متعدد این دانشمند پر کار در حال حاضر چنین اند:

کراکر مشاور «حلقه توسعه»، معاون برنامه Ph.D.، و معاون ریاست دانشگاه مریلند است؛

او به همراه بنیامین آر. باربر مدیریت «برنامه مطالعات مردم سالاری» را بر عهده دارد. او به همراه دکتر باربر دوره علمی جدیدی با عنوان «مردم سالاری و مردم سالاری سازی: تئوری و عمل» در پاییز ۲۰۰۴ تأسیس کرده است؛

او با همکاری سائینا آلکایر محقق بانک جهانی بود؛ او پروژه تحقیقاتی و آموزشی را با عنوان «پاسخ به ارزش های فقر: مشارکت و آرمان» تأسیس نمود که هدف آن دفاع و تکمیل مدلی از مشارکت مبتنی بر ارزش ها و مشورت در کشورهای در حال توسعه بود؛

همچنین از اکتبر سال ۲۰۰۵ تا دسامبر همین سال کرسی یونسکو در دانشگاه والنسیای اسپانیا را در اختیار داشته است؛ وی به همراه اساتیدی از آرژانتین، کلمبیا و پرو، اوگاندا، و هند، طرحی را برای ایجاد

گروهی کاری بین‌المللی برای مردم‌سالاری مشورتی آماده می‌کند.

کرار در حوزه‌های فلسفه اخلاق کاربردی و فلسفه اجتماعی-سیاسی، فلسفه اخلاق بین‌الملل، عدالت متعدی<sup>۱</sup>، نظریه مردم‌سالارانه، فلسفه اخلاق مصرف، و فلسفه اخلاق فساد متخصص و صاحب‌نظر است. او در دوره‌های فلسفه اخلاق، توسعه، کمک‌های خارجی و حقوق بشر تدریس کرده است. کتاب‌های منتشر شده او عبارتند از:

1. *Praxis and Democratic Socialism: The Critical Social Theory of Markovic and Stojanovic* (Atlantic Highlands, N.J.: Humanities Press; Brighton, Sussex, England: Harvester Press, 1983);
2. *FloreCIMIENTO humano y desarrollo internacional: La nueva ética de capacidades humanas*. (San José, Costa Rica: Editorial de la Universidad de Costa Rica, 1998). («شکوفایی انسانی و توسعه بین‌الملل: نگاهی به اخلاق توانمندی انسانی».)
3. editor, David A. Crocker and Toby Linden, eds. *Ethics of Consumption: Justice, the Good Life, and Global Stewardship* (Lanham, MD: Rowman & Littlefield, 1998).
4. editor (with Jesus Conill) *Republicanism y educación cívica: Más allá del liberalismo* (Granada:s Editorial Comares, 2003). («جمهوری‌خواهی و آموزش (شهروندی: فراسوی لیبرالیسم»)

او اخیراً کتاب «توسعه مشورتی: فلسفه اخلاق، توانمندی، و مردم‌سالاری»<sup>۲</sup> را به پایان برده است و در حال کار بر روی کتابی است که سعی می‌کند یک چهارچوب تجویزی و عینی را برای بسیاری از کشورها تعریف کند تا بر نقطه‌ضعف‌های سیاسی پیشین خود غلبه یابند. کراکر حدود ۵۰ مقاله علمی منتشر کرده است و در سمینارهای متعددی به ایراد سخنرانی پرداخته است.

### فکر کراکر

قلمروهای فعالیت کراکر را می‌توان به سه بخش نامساوی تقسیم کرد؛ بخش اول و عمده‌تر شامل آثار وی در زمینه فلسفه اخلاق توسعه است؛ بخش دوم که تازه‌تر، کوچکتر و در عین حال رو به گسترش است، مساعی نظری او در زمینه دفاع از مردم‌سالاری توانمندی‌گرا و مردم‌سالاری مشورتی است. اندیشه‌های وی در زمینه اخیر همچنان در حال تغییر و تحول است؛ بخش سوم از فعالیت‌های او در زمینه مسائل حقوق بشر و کاربست فلسفه اخلاق در این حوزه می‌شود.

#### ۱. فلسفه اخلاق توسعه

کوشش کرده‌ایم این بخش از آراء کراکر را طی مقالات اول (فلسفه اخلاق توسعه؛ خاستگاه‌ها، همسویی‌ها و ناهم‌سویی‌ها)، دوم (فلسفه اخلاق توسعه بین‌الملل) و سوم (موضوع ارتباطات میان فرهنگی، فلسفه اخلاق توسعه، جهانی‌شدن و جوزف استیگلیتز) پوشش دهیم، که در شماره حاضر تقدیم می‌گردد.

دنيس گولت طلايه‌دار «رشته‌ای جديد، فلسفه اخلاق توسعه» محسوب می‌شود. از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد، گولت بر آن شد که «توسعه» باید باز تعریف، ابهام‌زدایی و وارد عرصه بحث اخلاقی شود. دیوید کراکر نیز می‌کوشد که کار خود را از یک تعریف ساده و نسبتاً مورد توافق از توسعه آغاز کند؛ توسعه «تغییر اجتماعی مطلوب» است.<sup>۳</sup> به زعم او محققان توسعه اذعان می‌کنند که نظریه اجتماعی «علمی توسعه و توسعه نیافتگی مؤلفه‌های اخلاقی و همین‌طور تجربی و سیاسی دارند. سؤالات اساسی این هستند که «یک جامعه باید در کدام مسیر و با کدام ابزار توسعه یابد؟ از نظر اخلاقی چه کسی مسؤول تغییر مفید و سودمند است؟ وظیفه جوامع ثروتمند، اگر چنین وظیفه‌ای وجود داشته باشد، (و شهروندان آنها) در قبال جوامع فقیر چیست؟». چنین گفتگویی که در فضای تازه و فعال مطالعاتی موسوم به *Public Policy* در دانشگاه مریلند مطرح می‌شود، و می‌کوشد تا تلفیقی باشد میان فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، و علوم اجتماعی. او اخیراً در جریان بسط چشم‌انداز نظری خود با دو نظریه‌پرداز وارد گفتگو شده است؛ جوزف استیگلیتز و آمارتیا سن. دیوید کراکر در جریان گفتگوی نظری خود با جوزف استیگلیتز به موضوع جهانی شدن و رابطه آن با فلسفه اخلاق توسعه می‌پردازد. او در زمینه جهانی شدن می‌کوشد تا رویکرد میانه و تلفیقی میان چشم‌اندازهای دست راستی و دست چپی پدید آورد و از یک سو تأکید کند که عوامل خارجی در ایجاد یک فضای نابرابر جهانی بی‌تأثیر نیستند و در عین حال به عوامل داخلی مانند سوء مدیریت‌ها و فساد دولتمردان و... تأکید دارد. به گمان من او مرزبندی‌های چنین تلفیق دوجانبه‌ای را مشخص نکرده است و تلفیق او بیش از هر چیز به پیچیده‌تر شدن موضوع منجر شده است، بدون آنکه به تبیین این پیچیدگی کمک شایانی کرده باشد. درگیری او با تامس پورته دقیقاً در تعیین حد و مرزهای دقیق تأثیر هر یک از این عوامل ضعف خود را نشان می‌دهد و او را به محاق مناقشه در مثل دربانوردی و باد مخالف فرو می‌برد.<sup>۴</sup> روشن است که کوشش‌های او در زمینه جهانی شدن که شامل آخرین مساعی وی نیز می‌شود، نیاز به کار بیشتری دارد.

## ۲. مردم‌سالاری توانمندی‌گرا و مشورتی

این بخش از دیدگاه‌های کراکر را در مقاله مطول چهارم (*آمارتیا سن و مردم‌سالاری شورایی*) مورد توجه قرار داده‌ایم. نوع تلقی اولیه کراکر از مردم‌سالاری متعارف، یک تلقی واقع‌بینانه با تکیه بر تنگنای مردم‌سالاری توده‌ای، اکثریتی و مبتنی بر انتخابات است. در واقع، کراکر خطرات مردم‌سالاری اکثریت، مردم‌سالاری نمایندگی، مردم‌سالاری دوحزبی و مردم‌سالاری‌ای که به نام مردم و در نهایت به کام نخبگان تمام می‌شود را درک و ابراز می‌کند. او برای حل این دشواری‌ها به رویکرد توانمندی ( *capability approach*)، که در رأی آن آمارتیا سن قرار دارد دست می‌آویزد. به این معنا که او بر توانمند ساختن مبتنی بر برابری و مساوات سطوح مختلف اجتماعی، از جمله سطوح پایین (شامل فقرا و

گروه‌های حاشیه‌ای) به عنوان پیش شرط وقوع مردم‌سالاری تأکید می‌ورزد. او همچنین برای مبارزه با تقلیل مردم‌سالاری به انتخابات به ایده مردم‌سالاری مشورتی (deliberative democracy) روی می‌آورد که بر اساس آن تک تک افراد به طور مساوی در جریان تصمیم‌گیری‌ها فعالانه و در جریان یک گفتگوی مداوم و خردمندانه در جامعه مداخله می‌کنند. او معتقد است که رویکرد مشورتی می‌تواند رویکرد توانمندی‌گرای آمارتیا سن را تکمیل کند.

آنچه در این کوشش او نیز به عنوان یک دشواری به نظر می‌رسد، همان دشواری است که در مواجهه با موضوع جهانی شدن جلوه می‌کند. در واقع، او در تعیین دقیق مفاهیم و روش‌هایی که تجویز می‌کند، همچنان باید کوشش بیشتری صورت دهد تا نظریه خود را از وضعیت مشابه بسیاری نظریات دیگر تجویزی مردم‌سالاری نجات دهد. در واقع، در زمینه مردم‌سالاری مشورتی، نظریه‌پردازی متقدم‌تر یورگن هابرماس در تعیین رویه‌های عملی گفتگو ناکام مانده بود. وضعیت کراکر و آمارتیا سن نیز به همین صورت است.

### ۳. حقوق بشر

بالاخره، این بخش از دیدگاه‌های او را طی یک مقاله و یک سخنرانی از کراکر، طی عناوین پنجم (چهارچوبی تجویزی برای حسابرسی از گذشته) و ششم (میزگرد: سنجش عدالت و تلاش‌های صالح) مد نظر قرار داده‌ایم. او در این مقالات به ابعاد فلسفی و نظری رسیدگی به جنایات جنگی می‌پردازد. این بخش را اضافه کردیم که به طور نسبی بتوانیم ادعا کنیم که کار نظری کراکر را مروری کامل کرده‌ایم. سه مقاله اخیر او نیز در شماره‌های آتی تقدیم می‌گردد.

پانوشت‌ها:

<sup>۱</sup> - transitional justice.

<sup>۲</sup> - "Deliberating Development: Ethics, Capability, and Democracy".

<sup>۳</sup> - بنگرید به: «فلسفه اخلاق توسعه، جهانی شدن و جوزف استیگلیتز، فصل دوم، جهانی شدن چیست؟».

<sup>۴</sup> - بنگرید به: «فلسفه اخلاق توسعه؛ خاستگاه‌ها، همسویی‌ها و ناهمسویی‌ها»، ۴. اختلاف نظرها.